

یادداشت

از دروغ‌پردازی رویو علیه ایران تا ضدآمریکایی‌ترین مردم اروپا



محمودفاضلی

دیللمات پیشین و تحلیلگر اموربین‌الملل

سفر «مارکو رویو»، وزیر خارجه آمریکا، به یونان، بخشی از تور اروپایی این مقام آمریکایی است که از پنج‌تا هشتم اکتبر آغاز و شامل سه کشور عضو ناتو یعنی ایسلند، یونان و پرتغال شد. در سفر وزیر خارجه آمریکا و دیدار با مقامات عالی‌رتبه یونان، ششمین دور گفت‌وگوهای راهبردی دو کشور برگزار شد. همکاری دفاعی، انرژی و تحولات اوکراین و خاورمیانه در دستور کار این سفر قرار داشت. «میتسوتاکیس»، نخست‌وزیر راست‌گرای یونان که پس از روی کارآمدن در یونان روابط کشورش با آمریکا را به‌شدت ارتقا داده است، مدعی شد: «این سفر نشانگر سطح عالی روابط دوجانبه است. این روابط علاوه بر ابعاد دفاعی و سیاسی-دیپلماتیک، حوزه‌های انرژی، اتصال‌پذیری منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری را نیز شامل می‌شود و در چارچوب گفت‌وگوی راهبردی انجام شده است. بی‌تردید این سفر مثبت بود و طرف آمریکایی بر نقش یونان به‌عنوان شریک راهبردی جایگزین‌نشدنی در شرق مدیترانه تأکید کرد». «یراتیتیس»، وزیر خارجه یونان نیز تأیید کرد مشارکت بین آتن و واشینگتن «قوی‌تر، عمیق‌تر و تأثیرگذارتر» شده و دو کشور در این دیدار سه توافق‌نامه امضا کردند که نشان‌دهنده توسعه همکاری از زمان آغاز گفت‌وگوی استراتژیک در سال ۲۰۱۸ در زمینه‌های دفاع، زیرساخت‌ها، فناوری دیجیتال انرژی و اجرای قانون است. در زمانی که منطقه و جهان با چالش‌هایی ازجمله جنگ در اوکراین، بی‌ثباتی در خاورمیانه و تهدیدات امنیت دریایی در دریای سرخ روبه‌رو هستند، یونان همچنان یک متحد قابل اعتماد و ستون ثبات در مدیترانه شرقی است. به ادعای او، همکاری نظامی بین دو کشور به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده و توافق‌نامه همکاری نظامی مشترک، علاوه بر گسترش همکاری در زمینه تدارکات، صنایع دفاعی، مبارزه با تروریسم و فناوری‌های پیشرفته، توانایی مقابله با چالش‌های امنیتی را افزایش داده است. طرف یونانی همچنین بر نقش رو به رشد خود به‌عنوان یک قطب انرژی در جنوب شرقی و مرکزی اروپا، همراه با افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در یونان تأکید کرد. دو کشور در پایان ششمین دور گفت‌وگوهای راهبردی خود، با صدور بیانیه مشترکی بر تعمیق همکاری راهبردی در حوزه‌های دفاعی و امنیتی، انرژی، فناوری‌های نوین، اقتصاد و سرمایه‌گذاری و فرهنگ تأکید کردند.

ادامه حملات وزیر خارجه آمریکا علیه ایران

روییو در سفر به یونان از هر فرصتی برای حمله به ایران و دفاع از سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا دفاع کرد و به گزافه‌گویی‌های تکراری خود ادامه داد. او مدعی شد «باید مسیرها و منابع متنوعی برای تأمین انرژی وجود داشته باشند و آمریکا نمی‌تواند وابستگی به یک مسیر دریایی خاص را بپذیرد. آمریکا نمی‌پذیرد یک کشور کنترل یک مسیر دریایی حیاتی را در اختیار داشته باشد. تنگه هرمز باز است و مقدار نفتی که اکنون از طریق آن خارج می‌شود، دقیقاً همان مقدار است که قبل از بسته‌شدن آن خارج می‌شد. ایران کنترل کامل تنگه هرمز را از دست داده است». روییو درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تأکید کرد: ایران نتوانسته از چندین فرصت برای دستیابی به توافق با واشینگتن درباره برنامه هسته‌ای خود استفاده کند. ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت. تهران تلاش می‌کند نیروهای آمریکایی را از منطقه خارج کند؛ اقدامی که آمریکا آن را نمی‌پذیرد. ایران نتوانسته از «فرصت‌های متعدد» برای رسیدن به توافق با آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای خود استفاده کند؛ زیرا مذاکرات بین واشینگتن و تهران پایان‌ناپذیر به بن‌بست هفت‌ماهه همچنان متوقف مانده است. روییو در مصاحبه اختصاصی خود با نشریه راست‌گرای «کالی مرنی» اعلام کرد: هدف نهایی واشینگتن، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است و ایران طی چند هفته آینده با «وبرانگترین فاجعه اقتصادی در تاریخ معاصر کشور» مواجه خواهد شد. ایران تلاش کرده بود تعداد زیادی موشک و پهپاد پنهان کند که قادر باشد کل خاورمیانه را به نابودی بکشد و در نتیجه نیروهای نظامی ما را در معرض خطر قرار دهد. آمریکا هر عملیاتی را که لازم بداند، علیه ایران انجام خواهد داد.

سفر برای فروش تسلیحات بیشتر به یونان

در جریان سفر رویو، مقامات یونانی رسماً از اختصاص حداکثر چهار میلیارد دلار برای ارتقای شمار بیشتری از جنگنده‌های «اف-۱۶» و خرید موشک‌های پیشرفته از آمریکا موافقت کردند. یونان بیش از این نیز برنامه‌ریزی کرده بود تا سال ۲۰۳۶ حدود ۲۸ میلیارد یورو برای خرید جنگنده‌های «F۳۵» و بالگردهای مساحت آمریکا و همچنین ساخت سامانه چندلایه ضد موشک بالستیک و ضدهوایی («سیر آشیل» هزینه‌کننده سامانه‌ای که از تسلیحات ساخت رژیم اسرائیل استفاده می‌کند. این توافق شامل موشک‌ها و بمب‌های پیشرفته جدید برای جنگنده‌های «اف-۱۶» و «اف-۳۵» و بالگردهای «بلک هاک» و همچنین ارتقای جنگنده‌های قدیمی «اف-۱۶» به نسخه «وایبر» است. این اقدام بخشی از تلاش یونان برای نوسازی نیروهای مسلح خود پس از خروج از بحران دهه‌های سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ است. بحرانی که سال‌ها سیاست‌های ریاضت اقتصادی را به دنبال داشته و همچنان مردم یونان از تأثیرات این بحران اقتصادی در رنج هستند. خریدهای تسلیحاتی دولت یونان با اعتراضات مردمی روبه‌رو است. اگرچه دولت یونان دائماً وعده بهبود شرایط اقتصادی مردم را می‌دهد، این کشور همچنان با مشکلات ساختاری روبه‌رو است. بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی یونان هنوز به افزایش متناصب قدرت خرید، کاهش هزینه‌های زندگی و بهبود وضعیت همه اقشار جامعه منجر نشده است. یکی از مهم‌ترین نارضختمغه‌های خانوارهای یونانی، فاصله میان درآمد و هزینه‌های روزمره است. یونان در جریان بحران بدهی دولتی که از اواخر دهه ۲۰۰۰ آغاز شد، با یکی از شدیدترین بحران‌های اقتصادی اروپا مواجه بود. بدهی عمومی همچنان یکی از آسیب‌پذیری‌های اساسی اقتصاد آن محسوب می‌شود. نرخ بیکاری یونان همچنان از میانگین اتحادیه اروپا بالاتر است. یکی از عمیق‌ترین مشکلات اقتصاد یونان، پایین‌بودن بهره‌وری در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته‌تر اروپااست. یونان در تجارت خارجی نیز با چالش روبه‌رو است. درآمد حاصل از صادرات کالا و خدمات، ازجمله گردشگری، برای پوشش کامل هزینه واردات کافی نیست. نگرانی اصلی دولت راست‌گرای یونان این است که چگونه رشد اقتصادی و کاهش بدهی را با افزایش قدرت خرید مردم مدیریت کند.

اعتراضات وسیع به سفر وزیر خارجه آمریکا به یونان

هم‌زمان با سفر رویو به یونان، معترضان در شهرهای آتن و تسالونیکي با برگزاری تجمع‌های ضدجنگ، به سیاست‌های آمریکا و گسترش همکاری‌های نظامی دو کشور اعتراض کردند. این تجمع‌ها از سوی اتحادیه‌های دانشجویی، تشکل‌های کارگری و احزاب سیاسی سازماندهی شده بود. گوتسومباس، دبیرکل حزب کمونیست یونان، در سخنرانی خود در تجمع معترضان در اصلی‌ترین میدان شهر آتن تأکید کرد مردم یونان دیگر بیش از این تحمل ندارند. مردم یونان در تمام این سال‌ها به دلیل توافق راهبردی با آمریکا، هزینه سنگینی پرداخته‌اند؛ از فقر انرژی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها گرفته تا مالیات‌های سنگین و هزینه‌های هنگفت نظامی که هیچ هدف دفاعی برای کشور ما ندارد. علاوه بر این، یونان درگیر جنگ‌ها شده و سراسر یونان نیز از پایگاه‌های نظامی مربکار آمریکا پر شده است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

زهرة فراهانی: «مجلس امروز ضعیف‌ترین نسخه خود از دوران مشروطیت تاکنون است»؛ این جمله نه از زبان یک منتقد بیرونی، بلکه از زبان یک نماینده مجلس شورای اسلامی است؛ کسی که خود در قلب ساختار تصمیم‌گیری حضور دارد و از نزدیک شاهد آنچه بر پارلمان ایران می‌گذرد، بوده است. مصطفی پوردهقان، نماینده مردم اردکان، در گفت‌وگو با «شرق»، روایتی دست‌اول از پشت‌صحنه‌های مجلسی ارائه می‌دهد که به گفته او، ماه‌هاست صحن علنی‌اش تعطیل است، استیضاح‌هایش قفل و نظارتش به پشت درهای بسته رانده شده است. این مصاحبه فقط یک نقد به عملکرد مجلس نیست؛ تصویری است از مجموعه‌ای از شرایط که به باور این نماینده، از حادثه تلخ برای رئیس‌جمهور و ترور فرماندهان مقاومت گرفته تا جنگ‌های بی‌دریسی، فضایی ایجاد کرده که در آن هر تلاش برای نظارت با پاسخ «اکنون زمان مناسبی نیست» مواجه می‌شود. پوردهقان از خودسانسوری نمایندگان می‌گوید، از توصیه‌های ناانوشته‌ای که از بیرون می‌رسد و از وزرای که به این جمع‌بندی رسیده‌اند که چون استیضاحی در کار نیست، نیازی به پاسخ‌گویی ندارند. او در این گفت‌وگو، پرده از اختلافات درونی مجلس نیز برمی‌دارد: از دوقطبی شکل‌گرفته حول محمدباقر قالیباف و جلسه محرمانه شبانه در شاه‌دیل‌تعلیم تا انتقال بغض‌های سیاسی از بهارستان به خیابان. روایتی که نشان می‌دهد چگونه مصلحت‌اندیشی به سبزی در برابر پاسخ‌گویی تبدیل شده و مجلسی که باید صدای مردم باشد، به سایه‌ای از خود بدل شده است.

●●●

❗ در گفت‌وگوی قبلی که درباره برگزارنشدن جلسات حضوری صحن علنی مجلس شورای اسلامی با شما داشتیم، عنوان کردید مجلس فعلی از نظر عملکرد نظارتی، ضعیف‌ترین مجلس در میان ادوار مختلف بوده است. ابتدا می‌خواهیم از همین موضوع شروع کنیم. چه عواملی باعث شده است امروز با چنین وضعیتی در حوزه نظارت مجلس مواجه باشیم؟

وقتی گفتیم این دوره از مجلس از نظر نظارتی ضعیف‌ترین دوره بوده، منظور این بود که مجموعه‌ای از شرایط، عمدتاً به‌صورت برون‌زا، بر کشور حاکم شد و عملاً امکان نظارت جدی را از آن مجلس گرفت. شما از ابتدای این دوره نگاه کنید؛ ابتدا حادثه تلخی که برای رئیس‌جمهور رخ داد، بعد ماجرای ترور فرماندهان مقاومت و پس از آن جنگ‌های مختلف، از جنگ ۱۲ روزه گرفته تا جنگی که اکنون درگیر آن هستیم. مجموع این اتفاقات شرایط ویژه‌ای را بر کشور حاکم کرد و نتیجه این شد که هر زمان مجلس قصد داشت وارد یک موضوع نظارتی جدی شود، با این پاسخ مواجه می‌شد که اکنون زمان مناسبی نیست. ما در چهار یا پنج دهه گذشته مرتب از عبارت «شرایط مناسب کنونی» استفاده می‌کردیم، اما واقعیت این است که در این دوره، کشور واقعا در شرایط حساس قرار گرفت؛ یعنی نمی‌توانستیم به‌سادگی بگوییم این شرایط واقعی نیست یا صرفاً بهانه‌ای برای جلوگیری از نظارت است. از یک طرف، خود ما نمایندگان گاهی دچار خودسانسوری می‌شدیم؛ مثلاً با خودمان می‌گفتم شاید اکنون زمان مناسبی نباشد که وزیر اقتصاد را برای پاسخ‌گویی به مجلس بیاوریم. از طرف دیگر، توصیه‌های ناانوشته‌ای هم از بیرون مطرح می‌شد که فعلاً وارد بعضی مسائل نشوید. گاهی این توصیه‌ها مستقیماً به ما منتقل می‌شد و گاهی هم فضای عمومی تصمیم‌گیری به‌گونه‌ای بود که عملاً همین نتیجه را به همراه داشت. نمونه روشن آن شرایط فعلی است. شما امروز حدود هشت استیضاح وزیر را دارید که ممکن است شش‌ده‌اند. منظور از قفل‌شدن چیست؟ یعنی نمایندگان رفته‌اند، امضا جمع کرده‌اند و برای بعضی استیضاح‌ها ۲۰ تا ۸۰ نماینده امضا داده‌اند، اما موضوع به مرحله بررسی نمی‌رسد. برای مثال، درباره نرخ ارز کشور سؤال داریم. می‌خواهیم از آقای مدنی‌زاده بپرسیم شما زمانی که مسئولیت را از آقای همتی تحویل گرفتید، نرخ دلار حدود ۸۰ هزار تومان بود؛ اکنون را ببینید که ۲۷۰ هزار تومان رسیده، چه اتفاقی افتاده است؟ حداقل بیایید توضیح بدهید. قرار نیست الزماً کسی را برکنار کنیم. می‌خواهیم بدانیم چه اتفاقی افتاده و قرار است چه اتفاقاتی در آینده رخ دهد تا بتوانیم به مردم پاسخ بدهیم. اما اجازه مطرح‌شدن همین پرسش‌ها به هم به دلیل برخی مصلحت‌اندیشی‌ها داده نمی‌شود. گفته می‌شود اکنون در میانه جنگ هستیم و زمان مناسبی برای این موضوعات نیست. من معتقدم بخشی از این ملاحظات درست است، اما بخش دیگری از آن کاملاً اشتباه است. نمی‌توان به این بهانه که ممکن است دشمن سوءاستفاده کند یا اتفاقی رخ دهد، بسیاری از مسائل کشور را متوقف کرد. شما همین ایالات متحده آمریکا را ببینید که اکنون در جنگ با ما قرار دارد و خودش این جنگ را آغاز کرده است؛ در همان شرایط، درباره اعتبارات جنگی در سنا بحث می‌کنند، وزیر دفاع را برای پاسخ‌گویی فرامی‌خوانند و درباره جزئیات جنگ، میزان بوده‌جه اختصاص یافته، اعتبارات مورد نیاز، تلفات و حتی اتفاقاتی که ممکن است در آینده رخ دهد، سؤال می‌کنند. بخشی از این مباحث نیز رسانه‌ای می‌شود و ما هم آنها را می‌بینیم و تحلیل می‌کنیم. پس اینکه تمام مسائل کشور را به دلیل شرایط برون‌زا قفل کنیم، از نظر من تصمیم اشتباهی بوده است. البته به هر حال شرایط امنیتی کشور بسیار ویژه شده و تصمیم‌گیری در بسیاری از موضوعات بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار گرفته است. ما نمایندگان را ببینید که حدودی دچار خودسانسوری شده‌ایم. از طرف دیگر، تعطیلی کامل یا نیمه‌تعطیلی فعلی مجلس نیز بر این وضعیت اثر گذاشته است. مجموع این عوامل باعث شده من بگویم مجلس امروز ضعیف‌ترین نسخه خود از دوران مشروطیت تاکنون است.

جلسه محرمانه شاه‌عبدالعظیم: قالیباف برای نمایندگان چه گفت؟

❗ آیا می‌توان همین موضوع را یکی از عوامل شکل‌گیری دوقطبی در مجلس، به‌ویژه دوقطبی درباره عملکرد محمدباقر قالیباف دانست؟ به نظر می‌رسد بخشی از اختلافات کنونی نمایندگان نیز از همین مسئله ناشی شده است.

بله، قطعاً می‌توان گفت درباره آقای قالیباف نوعی دوقطبی شکل گرفته است. بسیاری از نمایندگان ایشان را مسبب شرایط



فعلی می‌دانند و این موضوع را هم آشکارا بیان می‌کنند؛ چه در جلسات مجازی مجلس و چه در تجمعات شبانه‌ای که در خیابان‌ها برگزار می‌شود. البته این اختلاف صرفاً به شخص آقای قالیباف محدود نیست؛ اگر به جای ایشان، شورای عالی امنیت ملی را قرار دهیم نیز می‌بینیم عده‌ای با تصمیمات این شورا مخالف هستند و عده‌ای هم از حمایت می‌کنند. اما آنچه باعث شده فشارها بیشتر متوجه آقای قالیباف شود، این است که منتقدان می‌گویند ایشان به‌عنوان رئیس مجلس، نماینده ما نمایندگان در شورای عالی امنیت ملی است و اگر از بازگشایی مجلس دفاع می‌کرد، شرایط به این شکل پیش نمی‌رفت. این حرف آن‌قدر تکرار شد که آقای قالیباف تصمیم گرفت در میانه توصیه‌ها و تکالیف شورای عالی امنیت ملی مبنی بر بازنشدن مجلس، جلسه‌ای شبانه و محرمانه در شاه‌عبدالعظیم برگزار کند. در آن جلسه حدود ۲۳۰ تا ۲۴۰ نماینده حضور داشتند. آقای قالیباف تلاش کرد تمام مسائل را برای نمایندگان تشریح کند. توضیح داد نامه نوشته، توصیه کرده و بارها تأکید کرده است مجلس باز شود. حتی مدل‌های مختلفی را هم پیشنهاد کرده بود؛ مثلاً یک سوم نمایندگان حضور داشته باشند، دوسوم حضور داشته باشند، جلسات یک روز در میان برگزار شود یا فقط نمایندگان تهران در جلسات شرکت کنند. انواع و اقسام مدل‌ها را توضیح داد و گفت همه این پیشنهادها را مطرح کرده‌ام. شورای عالی امنیت ملی به دلیل نگرانی‌های امنیتی با آنها موافقت نکرده است. استدلال این بوده که اگر تجمع نمایندگان در یک محل شکل بگیرد و اتفاقی رخ دهد، ممکن است یکی از قوای کشور آسیب جدی ببیند یا عملاً از بین برود. خب، این استدلال هم می‌تواند از منظر امنیتی منطقی باشد، با این حال، فشار گروه‌های مختلف در مجلس بر شخص آقای قالیباف همچنان ادامه دارد. بخشی از این فشارها ناشی از واقعیت‌های موجود است، اما بخشی هم بهانه‌ای شده تا اختلافات و بغض‌های سیاسی گذشته دوباره مطرح شود.

تسویه‌حساب‌های سیاسی از بهارستان تا تجمعات خیابانی
❗ یعنی معتقدید در کنار اختلاف نظر درباره تعطیلی مجلس، نوعی تسویه‌حساب سیاسی با آقای قالیباف نیز در جریان است؟

بله، دقیقاً. بخشی از آن همین است. شما می‌بینید فردی از گذشته نسبت به آقای قالیباف ناراحتی یا اختلاف سیاسی داشته و اکنون بهانه‌ای پیدا کرده است تا دوباره آن اختلافات را مطرح کند و به موضوعاتی را مطرح کند که بی‌ارتباط است. مسئله نگران‌کننده‌تر این است که این اختلافات از داخل مجلس به خیابان منتقل می‌شود. اگر ما در مجلس با یکدیگر بحث داشته باشیم، حتی بحث‌های تند سیاسی، این مسئله در چارچوب فعالیت پارلمانی قابل فهم است. ما همیشه چنین بحث‌هایی داشته‌ایم و به قول معروف بحث‌های طلبگی خودمان را می‌کردیم. اما وقتی همان فرد تبدیل به سخنران یک تجمع مردمی می‌شود، موضوع شکل دیگری پیدا می‌کند. مردمی که در این تجمعات حضور پیدا می‌کنند، از سر اعتقاد و علاقه به کشور، نظام، خاک و آرمان‌هایشان به میدان آمده‌اند. اینکه کسی بخواد بغض‌های سیاسی یا اختلافات انتخاباتی گذشته را به چنین جمعی منتقل کند، اقدام درستی نیست. ممکن است بسیاری از افراد این که در این تجمعات حضور دارند، اصلاً درگیر جزئیات اختلافات سیاسی ما نباشند. وقتی یک نماینده از تزیون چنین تجمعی علیه آقای قالیباف صحبت می‌کند، ممکن است این تصور برای مردم ایجاد شود که آقای قالیباف یا طیف حامی ایشان می‌خواهند مجلس تعطیل بماند تا بتوانند مذاکرات را پیش ببرند یا مسائل کشور را از زاویه مدنظر خودشان مدیریت کنند. متأسفانه چنین فضایی وجود دارد.

❗ نکته دیگر این است که دسترسی مستقیم به آقای قالیباف برای برخی از این افراد دشوار است. بسیاری از حرف‌هایی را که در میدان‌ها و خیابان‌ها مطرح می‌کنند، مستقیماً به خود ایشان نمی‌گویند. ما تقریباً هر شب شاهد هستیم که گویی گروهی به میدان آمده‌اند تا آقای قالیباف را هدف قرار دهند. ایشان رئیس مجلس است و در موضوع مذاکرات نیز مسئولیت دارد. این تصویر، تصویر مناسبی از مجلس شورای اسلامی ارائه نمی‌کند.

مسئله فراتر از حمایت یا مخالفت با یک شخص است. بعضی مکان‌ها و اجتماعات، نماد اتحاد ملی هستند. شما در همین تجمعات می‌بینید افراد مختلفی حضور دارند؛ زن و مرد با عقاید گوناگون. حتی ممکن است دختر جوانی را ببینید که نوع پوششش او از نگاه برخی با عرف مدنظرشان فاصله داشته باشد. اما همان دختر با چشمانی اشک‌آلود پرچم ایران را تکان می‌دهد و آشکارا نشان می‌دهد که از شرایط کشور ناراحت و نگران است. در کنار او افراد دیگری با عقاید

مجلس زیر سایه مصلحت



و پوشش‌های متفاوت حضور دارند. این جمعیت‌ها نماد کنار هم قرارگرفتن گروه‌های مختلف جامعه هستند. اگر قرار باشد چنین مکان‌هایی به میتینگ‌های سیاسی تبدیل شوند، طبیعتاً طیف مقابل هم می‌تواند همین کار را انجام دهد. وقتی شما به این نتیجه برسید که خیابان محل مناسبی برای طرح بغض‌ها و اختلافات سیاسی است، دیگران هم ممکن است همین برداشت را داشته باشند. در آن صورت، میدان‌ها و تجمعات مردمی به محل تقابل عقاید و دعوای‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. این در حالی است که رهبر شهید بارها بر حفظ اتحاد مقدس تأکید داشتند و رهبر جدید نیز در پیام‌های مکتوب خود بر ضرورت حفظ همین اتحاد اصرار کرده‌اند. اگر به این توصیه‌ها توجه نکنیم، عملاً از آن فضای مورد نظر فاصله می‌گیریم. متأسفانه برخی افراد هم هستند که به هیچ صراطی مستقیم نمی‌شوند. این مسئله هم محدود به داخل مجلس نیست و هم در مجلس و هم خارج از آن نمونه‌هایی وجود دارد. فردی ممکن است آن‌قدر بر تفکر خودش اصرار داشته باشد که با مخالفت با مذاکره سر می‌دهند. در حالی که چنین تصویری با واقعیت میدانی مطابقت ندارد. اتفاقاً همین رفتارها باعث می‌شود بعضی از افرادی که چنین شعارهایی می‌دهند، از سوی خود مردم کنار نه شوند. در برخی مواقع هم نتیجه رفتار آنها کاملاً معکوس است و فردی که علیه او شعار داده می‌شود، در نگاه بخشی از جامعه محبوب‌تر می‌شود.

خیابان، ملک اختصاصی هیچ جریان سیاسی نیست

❗ اختلافات و بغض‌های سیاسی در سال‌های گذشته هم وجود داشته، اما به نظر می‌رسد پس از جنگ دوم، این رفتارها به شکل شدیدتری بروز کرده است؛ به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و تریبون‌های خیابانی. آیا این جریان‌ها توانسته‌اند به سطوح بالای حاکمیت و تصمیم‌گیری هم اثرگذار باشند؟ آیا جلساتی با افراد این جریان‌ها برگزار شده یا تأثیرگذاری آنها صرفاً به سخنرانی و شعارهای خیابانی محدود مانده است؟

این جریان‌ها در بخش‌های مختلف حاکمیت نماینده و همراه دارند؛ هم در شورای عالی امنیت ملی، هم در مجلس شورای اسلامی، هم در بخش‌هایی از دولت و هم در برخی نهادهای دیگر که حتی ممکن است ساختار انتصابی داشته باشند و الزاماً انتخابی نباشند. بنابراین نمی‌توان گفت ارتباط این جریان‌ها با سطوح تصمیم‌گیری وجود ندارد. قطعاً چنین ارتباطاتی وجود دارد و حتی می‌توان گفت ارتباطی دوسویه است. یعنی گاهی بخشی از مطالبات و فشارها از خیابان به سطوح بالاتر منتقل می‌شود و گاهی هم از آن طرف به افراد خط داده می‌شود که موضوعاتی را مطرح کنند تا کاسانی که در ساختار تصمیم‌گیری حضور دارند، بتوانند بگویند در بیرون هم جمعیتی از مواضع آنها حمایت می‌کند. در واقع، این افراد می‌خواهند نشان دهند که یک لشکر اجتماعی پشت سرشان قرار دارد. اشکال مهم اینجاست که بعضی از این جریان‌ها تصور می‌کنند تمام افرادی که در خیابان حضور دارند، متعلق به آنها هستند. یعنی نگاشتن به مردم، نگاهی فراتر نیست. در حالی که در همین جمعیت‌ها ممکن است فرد اصلاح‌طلب حضور داشته باشد، اصولگرا باشد، از گروه‌های انقلابی باشد یا حتی فردی باشد که در بسیاری از موضوعات کشور منتقد است و فاصله زیادی با دیدگاه‌های رسمی دارد. اما آن گروهی که اکنون در حال اعتراض و شعاردادن است، تلاش می‌کند این جمعیت متنوع را به نفع خودش مصادره کند و بگوید این افراد همگی نیروهای ما هستند. با وجود این، آنچه من اکنون در بخش تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار حاکمیت مشاهده می‌کنم، وجود نوعی عقلانیت است. درست است که طیف‌های مختلف سیاسی در شورای عالی امنیت ملی، مجلس و سایر بخش‌ها حضور دارند و ممکن است در بعضی نهادهای یک گرایش اکثریت داشته باشند، اما همچنان عقلانیتی در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. برای مثال، همین مقلانیت است که مسیر مذاکره را پیش می‌برد. بعد در سازمان ملل، متنی ارائه می‌شود که هم از نظر احساسی و هم از نظر عقلانی قابل توجه است. در موضوع مقاومت نیز همین رویکرد وجود دارد. مقاومت به این معنا نیست که بدون محاسبه تصمیم بگیریم هر کجا و هر کشوری را هدف قرار دهیم. آنجا هم سیاست‌گذاری و تعیین خطوط و حدود بر اساس نوعی عقلانیت صورت می‌گیرد. در شورای عالی امنیت ملی درباره این موضوعات تصمیم‌گیری می‌شود و مجموعه این رفتارها نشان می‌دهد که قرار نیست حاکمیت تسلیم خواسته گروه‌هایی شود که رویکردهای تندروانه یا رادیکال‌تاری دارند.

برخی از افراد می‌خواهند از حضور در جمعیت بهره‌برداری سیاسی کنند

❗ در تجمعات خیابانی شاهد شعارهایی علیه برخی مسئولان فعلی و سابق هستیم؛ از حسن روحانی و محمدجواد ظریف

روایت مصطفی پوردهقان، نماینده مردم اردکان، از تعطیلی صحن علنی، استیضاح‌های متوقف شده، اختلافات سیاسی و برکناری وزیر نفت

تسا محمد خاتمی و حتی محسنی‌اژه‌ای. برخی از این افراد اکنون مسئولیت اجرایی ندارند و صرفاً به دلیل یک مصاحبه یا اظهارنظر هدف شعار قرار می‌گیرند. آیا فکر نمی‌کنید با گسترش این شعارها، تجمعات از هدف اصلی خود فاصله گرفته‌اند؟

من صریح بگویم که به اعتقاد من، اصل این تجمعات از مسیر خودش خارج نشده است. این را بر اساس مشاهدات شخصی می‌گویم. من در چندین استان از نزدیک در میان مردم حضور داشته‌ام و شرایط را دیده‌ام. واقعیت میدانی با آن تصویر محدودی که گاهی از طریق بعضی رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، تفاوت دارد. ممکن است از یک تجمع، فیلم کوتاهی منتشر شود و همان بخش محدود به‌گونه‌ای بازتاب پیدا کند که مخاطب تصور کند تمام جمعیت حاضر در خیابان مشغول طرح همان شعارها بوده‌اند؛ در حالی که واقعیت چنین نیست. در بسیاری از شهرستان‌ها و مراکز استان‌هایی که حضور داشته‌ام، اساساً شاهد این حاشیه‌ها نبوده‌ام. مواردی که فردی بخواد چنین شعارهایی مطرح کند، بسیار محدود بوده و حتی در بعضی موارد، خود مردم به او تذکر داده‌اند که اکنون زمان طرح چنین مسائلی نیست. در پایتخت هم وضعیت همه تجمعات یکسان نیست. بله، در برخی مکان‌ها و هنگام سخنرانی بعضی افراد، چنین اتفاقی رخ می‌دهد، اما نمی‌توان آن را به تمام جمعیت تعمیم داد. ما واقعا باید قردران مردمی باشیم که با وجود تمام مشکلات، در این شرایط به میدان آمده‌اند. من اصرار دارم که این جمعیت‌ها را نباید متعلق به یک جریان خاص دانست. این مردم، به هر نوع تفکر و گرایش سیاسی، بخشی از جامعه ایران هستند. خودم در میان این افراد با کسی صحبت کرده‌ام که می‌گفت در اعتراضات دی‌ماه حضور داشته و حتی به گفته خودش، به سمت نیروهای نظام سنگ پرتاب کرده است، اما پس از اتفاقات اخیر به خیابان آمده بود، پرچم ایران در دست داشت، تصویر رهبر را همراه خود آورده بود و در تجمعات شرکت می‌کرد. یا دخترانی را می‌بینید که ممکن است به دلیل نوع پوشش خود در گذشته تذکر گرفته باشند، گله‌مند باشند یا حتی با برخورد‌های تندتری مواجه شده باشند، اما اکنون آنها هم در کنار دیگران حضور دارند. اینها واقعیت جامعه ماست. متأسفانه برخی افرادی که می‌خواهند از این جمعیت‌ها بهره‌برداری سیاسی کنند، تلاش دارند تصویری بسازند که گویی همه حاضران در خیابان فقط شعار «مرگ بر روحانی» یا مخالفت با مذاکره سر می‌دهند. در حالی که چنین تصویری با واقعیت میدانی مطابقت ندارد. اتفاقاً همین رفتارها باعث می‌شود بعضی از افرادی که چنین شعارهایی می‌دهند، از سوی خود مردم کنار نه شوند. در برخی مواقع هم نتیجه رفتار آنها کاملاً معکوس است و فردی که علیه او شعار داده می‌شود، در نگاه بخشی از جامعه محبوب‌تر می‌شود.

۹ وزیر در صف استیضاح، نظارت مجلس پشت درهای بسته

❗ به موضوع عملکرد نظارتی مجلس برگردیم. از استیضاح وزرا چه خبر آیا برگزارنشدن جلسات حضوری مجلس باعث نشده دولت عملاً خیال آسوده‌تری از بابت نظارت نمایندگان داشته باشد؟ البته گزارش‌هایی منتشر شده مبنی بر اینکه وزرا هر هفته در مجلس حضور دارند و پیگیری مطالبات نمایندگان ادامه دارد، اما به نظر می‌رسد مسیر استیضاح وزرا عملاً متوقف شده است.

واقعیت این است که در شرایط فعلی، عملاً و علناً هیچ استیضاحی اجازه عملیاتی شدن و قرارگرفتن در دستور کار مجلس را ندارد. همان‌طور که ابتدا هم اشاره کردم، شاید حدود ۸ یا ۹ وزیر در صف استیضاح باشند. بخش عمده آنها نیز وزرایی هستند که مسئولیت مستقیم در حوزه‌های معیشتی، اقتصادی و زیرساختی دارند؛ از وزیر اقتصاد و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا وزیر ورزش و جوانان. وزیر جهاد کشاورزی و تعدادی دیگر از اعضای کابینه، اما همان بحث مسأله‌تاندیشی و این نگاه که اکنون زمان مناسبی نیست، بر همه این موضوعات سایه انداخته است. مرتب گفته می‌شود ما در میانه آتش، دود، خون و جنگ قرار داریم و فعلاً نباید وارد چنین بحث‌هایی شویم. این نگاه باعث شده بخشی از نمایندگان خودشان پیگیری جدی نداشته باشند و به نوعی خودسانسوری کنند. از طرف دیگر، هیئت‌رئیس مجلس و به‌ویژه سخنان آقای قالیباف نیز به دلیل حضور در ساختار تصمیم‌گیری امنیتی، ملاحظات و سیاست‌های مبتنی بر مصالح امنیتی را به فضای مجلس منتقل می‌کنند. از نظر شخصی من، ادامه این روند آسیب جدی به کشور وارد می‌کند. برای مثال، من بارها درباره مسائل اقتصادی و ملی خواسته‌ام که وزیر ورزش جلسه‌ای داشته باشیم، اما پاسخ شنیده‌ام که اکنون شرایط جنگی است و زمان مناسبی برای چنین دیدارهایی نیست. خب، شما وزیر ورزش هستید، بسیاری از مسائل حوزه مسئولیت شما اساساً ارتباط مستقیمی با جنگ ندارد، چرا باید رسیدگی به آنها متوقف شود؟ موضوع دیگر، تغییر رفتار برخی وزرا با نمایندگان است.

من رفتار بعضی وزرا را پیش از جنگ دیده بودم. زمانی که نماینده‌ای سؤال یا اعتراضی داشت، تلاش می‌کردند پاسخ بدهند، موضوع را پیگیری کنند و رضایت نماینده را جلب کنند. اما اکنون در رفتار همان افراد تغییری مشاهده می‌کند. از بسیاری از همکارانم نیز موارد مشابهی شنیده‌ام. به نظر می‌رسد بعضی وزرا به این جمع‌بندی رسیده‌اند که چون استیضاحی در کار نیست و حتی سؤال از وزیر هم به‌سختی مطرح می‌شود، دیگر ضرورتی ندارد مانند گذشته پاسخ‌گو باشند. یک نمونه مشخص در درباره سؤال خودم از وزیر اقتصاد بگویم. من در آبان ۱۴۰۴ درباره دلایل افزایش قیمت‌ها از وزیر اقتصاد سؤال کردم. قرار بود اسفندماه برای پاسخ‌گویی به مجلس بیاید، اما جنگ آغاز شد و موضوع به تعویق افتاد. از آن زمان تاکنون، این سؤال دو بار در دستور کار مجلس قرار گرفته است؛ یعنی ثبت شد، در برنامه جلسات آمده، پرینت گرفته شده و برای نمایندگان ارسال شده که وزیر در هفته مورد نظر برای پاسخ‌گویی حضور پیدا خواهد کرد.

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید